

بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المعجم الكبير**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **معجم ما استعجم**: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش جمال طلبه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **معرفة الصحابه**: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش عادل بن یوسف، دار الوطن؛ **المعيار و الموازنه**: الاسکافی (م. ۲۲۰ق.)، به کوشش محمودی، ۱۴۰۲ق؛ **المغازی النبویه**: ابن شهاب الزهري (م. ۱۲۴ق.)، به کوشش زکار، دمشق، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ **المغازی**: الواقدي (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ **المقنع فی الامامه**: عبدالله اسدآبادی، به کوشش شاکر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق؛ **الملل و النحل**: الشهرستاني (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ **نامه تاریخ پژوهان (فصلنامه)**: قم، انجمن تاریخ پژوهان؛ **اليقين في امرة امير المؤمنين (ع)**: ابن طواس (م. ۶۶۴ق.)، نجف، ۱۳۶۹ق.

قاسم خان جانی



الاستبصار فی عجائب الامصار: از

منابع جغرافی نگارانه در تاریخ مکه، مدینه، مغرب و مصر، اثر نویسنده‌ای مراکشی در قرن ششم ق.

کتاب حاوی گزارش‌هایی کوتاه درباره جغرافیا، تاریخ، وضع اقتصادی، زندگانی اجتماعی و سیاسی شهرها، معرفی آثار تاریخی

۱۳۷۸ق؛ **شواهد التنزیل**: الحاکم الحسکانی (م. ۵۰۶ق.)، به کوشش محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **صحیح البخاری**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **الطبقات**: خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ **فتوح البلدان**: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمد رضوان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق؛ **الفتوح**: ابن اعثم الکوفی (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ **فرق الشیعه**: النوبختی (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد صادق، نجف، المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۵ق؛ **الکافی**: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۱ق؛ **الکامل فی التاریخ**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق؛ **لب الباب فی تحریر الانساب**: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ **المحبر**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، دار الأفق الجدیده؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **مسند اسامة بن زید**: عبدالله البغوی (م. ۳۱۷ق.)، به کوشش حسین امین، ریاض، دار الضیاء، ۱۴۰۹ق؛ **مشاهیر علماء الامصار**: ابن حبان (م. ۳۴۵ق.)، به کوشش مرزوق علی ابراهیم، دار الوفاء المنصور، ۱۴۱۱ق؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۲۶۶ق.)،

و عجایب مناطق گوناگون اسلامی مانند مکان‌های مقدس مکه و مدینه، و وضع مصر و مغرب و سودان و افریقیه (تونس) و لیبی است. روش کار نویسنده بر پایه جغرافیای وصفی است.^۱

نام کتاب کاملاً مستند و مشهور است؛ زیرا در مقدمه به آن تصریح شده است. (ص ۲) اما هیچ آگاهی از نویسنده کتاب در دست نیست. در *ایضاح المکنون*، تنها نام کتاب و انتساب آن به نویسنده‌ای از سده ششم ق. آمده است.^۲ گویا در هیچ جای دیگر به این نویسنده اشاره نشده و در خود کتاب هم آگاهی‌هایی از زندگی، افکار و آثار او در دسترس نیست. در کتاب، سه واژه در اشاره به پدیدآورنده اثر، به کار رفته است: مؤلف، ناظر و واضع. محقق عرب‌زبان کتاب، با بررسی ارتباط مفهومی این واژگان، نتیجه گرفته که با عنایت به این که کاربرد واژه واضع به جای نویسنده در آن دوران روشن نیست، احتمال آن که هر سه کلمه به یک نفر بازگردد، چندان قوی نمی‌نماید. البته دور نیست که نویسنده کتاب در مقام ارزیاب، نوشته خود را دیگر بار بررسی کرده و از این جهت واژه واضع را برای خود به کار گرفته باشد. (مقدمه محقق، ص ب - ث) کراچکوفسکی که مطالعه‌ای

گسترده درباره منابع جغرافیایی جهان اسلام انجام داده، بر پایه همین دیدگاه، احتمال داده که اثر موجود، رونوشت متن اصلی باشد که به دست ما نرسیده است.^۳

چند رقم در کتاب آمده که تاریخ تقریبی نگارش کتاب را مشخص می‌کند. از صفحه ۱۳۸ برمی‌آید که کتاب به سال ۵۸۷ ق. نگارش یافته است. در جای دیگر، به سفارت ابن منقذ، فرستاده صلاح الدین، نزد خلیفه مغرب اشاره شده است. (ص ۱۰۷) اشاره دیگر به نبرد با بنی غانیه در افریقیه است. (ص ۱۱۱) متن حاضر در روزگار ابویوسف یعقوب موحدی (۵۸۰-۵۹۵ ق.) نوشته شده؛ زیرا در مقدمه با عبارتی حاکی از هم‌نگامی، از او یاد شده است. (ص ۱) در همین مقدمه، از نخستین حاکم موحدی، مهدی بن تومرت (م. ۵۲۲/۵۲۴ ق.) با عنوان الامام المهدی یاد شده است. نویسنده در مقدمه از اهمیت تاریخ یاد کرده و گفته است: اگر دانش تاریخ نبود، آیندگان از دانش پیشینیان بی‌خبر می‌ماندند. او از شیخ ابو عمران بن ابویحیی بن وقتین که به نویسنده احسان و او را به نوشتن تاریخی در خور و مفید تشویق کرده، نام می‌برد و به پاس احسان او، این اثر را به وی تقدیم کرده است. (ص ۲-۴) در همان مقدمه، چکیده‌ای فنی از محتوا و مباحث و نکات اصلی کتاب و

۱. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۲۴۴.

۲. ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۷۰.

۳. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۲۴۴.

الاستبصار از کتاب بکری را مشخص ساخته است. (نک: ص ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۴-۲۰۰) درباره تأثیر الاستبصار بر دیگر کتاب‌ها، آگاهی در میان نیست؛ جز این که برخی معتقدند یکی از منابع عمده کتاب جغرافیایی *الروض المعطار* بوده و بسیاری از آگاهی‌ها و گزارش‌های آن، مبنای کار نویسنده *الروض المعطار* قرار گرفته است.^۳

گویا نویسنده فریضه حج را ادا کرده است؛ زیرا حرمین را به تفصیل وصف می‌کند. آن‌گاه به مصر رفته، از اهرام سخن می‌گوید. سپس به سوی شمال می‌رود و به گزارش از سواحل اقیانوس اطلس می‌پردازد.^۴

بخش نخست کتاب درباره حرمین مکه و مدینه و حدود ۴۵ صفحه است. به درستی دانسته نیست که آیا نویسنده این بخش را نیز از کتاب بکری برگرفته یا نه؛ زیرا این قسمت از کتاب بکری در دست نیست. همان‌گونه که محقق کتاب گفته است، آگاهی‌های *الاستبصار* درباره اندازه کعبه و مسجدالحرام و مسجدالنبی و دیگر مکان‌های مقدس با آگاهی‌های ازرقی (م. ۲۲۳ق.) و ابن جبیر و دیگر تاریخ‌نگاران همخوانی ندارد. (مقدمه محقق، ص جح)

نگارش و پژوهش درباره مکه و مدینه،

روش طرح مطالب و کشف حقایق و دریافت آگاهی‌ها ارائه کرده است. روش او این است که تنها از گزارش‌هایی بهره گیرد که تاریخ‌نگاران بر آن‌ها توافق و اجماع دارند و شواهد و تجربه نیز آن‌ها را تأیید کند. (ص ۳) البته یادکرد شگفتی‌های شهرها و برخی اسطوره‌ها نیز در کتاب آمده است. البته همه این‌ها در بیان و عقیده تاریخ‌نگاران آن دوره جاری بوده و در حقیقت، نویسنده، تاریخ را با فرهنگ عامه^۱ که عقاید مشترک مردم را بازتاب می‌دهد، درآمیخته و از روش خود در تکیه بر اجماع گزارشگران و تاریخ‌نگاران در گرفتن گزارش‌ها و آگاهی‌ها، عدول نکرده است. وصف‌های نویسنده بر پایه تجربه و مشاهده و دارای ترتیب و پیوند منطقی است. او در وصف مکان‌های مقدس دقتی بیشتر به خرج داده و اندازه و فاصله و مساحت مکان‌ها را به وضوح و تمایز شرح داده است.

مصادر مهم او، کتاب‌های مسعودی (م. ۳۴۵ق.) و *المسالك و الممالک* بکری (م. ۴۸۷ق.) است. او بیشتر بخش سوم کتابش را از بکری گرفته است. بخش افریقیه (تونس جدید) و مغرب کتاب بکری موجود و چاپ شده است.^۲ سعد زغلول، محقق کتاب، در بسیاری از جای‌ها، شیوه فراگیری و اقتباس

۱. معجم المطبوعات، ج ۲، ص ۱۵۵۸.

۲. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۱۷، «مقدمه».

۳. *الروض المعطار*، ص ۱۰، «مقدمه».

۴. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۲۴۴.

بیشتر در سده‌های سوم و چهارم ق. و سپس از سده هفتم ق. به بعد است. در این میان، با یک حلقه گمشده چند سده‌ای در پژوهش‌های مکه و مدینه‌شناسی روبه‌رو هستیم، گرچه سفرنامه ابن جبیر و عبدری و ابن بطوطه تا اندازه‌ای این کاستی را کم کرده‌اند. کتاب حاضر از آن‌جا که بخشی از نقصان استمرار تواریخ مکه و مدینه‌شناسی را از میان می‌برد، مهم است. اهمیت دیگر کتاب، توجه نویسنده به اندازه و شماره مکان‌ها و جای‌ها است. بر همین پایه، نویسنده، همه حدود و مقدار هر مکان و چیز موجود در حرم مکی را با طول، عرض، ارتفاع و عدد مشخص می‌کند و هر جا که به شرح ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی آن رویکرد می‌پردازد، از واژه صفت / وصف بهره می‌گیرد. او حدود حرم، طول و عرض کعبه و اندازه داخل و بیرون آن، ویژگی‌های درها، سقف کعبه، مشخصات و اندازه حجرالاسود، مقام ابراهیم، کوه‌های مکه، اندازه و مختصات چاه زمزم، شمار درهای مسجدالحرام و ویژگی‌های هر یک و امامان جماعت مسجدالحرام را مشخص کرده است. وصف او از مکان و موقعیت دو گام موجود در مقام ابراهیم (ص ۱۹-۴) و سنگ‌ها و مرمرهای زیبای به کار رفته در هر یک از این مکان‌های مقدس، اشاره او به قبه شراب روبه‌روی زمزم و بیت الیهودیه در مسجدالحرام، خواندنی و

کوتاه و منسجم است. شمار ستون‌های مسجدالحرام در اثر او با گزارش‌های دیگران همخوانی ندارد. او شماره ستون‌های سقف مسجد را ۴۷۰، ستون‌های ابواب را ۲۷، ستون‌های دار الندوه و دار الحنطه را که به مسجد افزوده شده‌اند، ۱۲۷ و در مجموع، ستون‌های مسجدالحرام را ۶۲۱ استوانه دانسته است. (ص ۲۷) وصف‌های بخش مکه از حدود و کوه‌های مکه و ویژگی‌های کعبه آغاز شده و به مسجدالحرام، صفا و مروه، مسعی، منا و مسجد خیف و مسجد مزدلفه، مشعر الحرام، عرفات و جبل الرحمه و دو کوه مأزمین پایان یافته است.

همین ترتیب و وصف درباره مسجدالنبی نیز به کار گرفته شده و گزارش‌هایی کوتاه از طول و عرض و حدود مسجدالنبی، ستون‌ها و درهای آن، منبر و روضه، محراب نبوی و قنديل‌های مسجدالنبی ارائه گشته است. (ص ۳۷-۴۱) بر پایه گزارش این کتاب، شمار ستون‌های مسجدالنبی در آن هنگام ۲۷۶ استوانه بوده است. (ص ۴۱) سپس موقعیت، مکان و جغرافیا و ویژگی‌های مسجد قبا، قبور بقیع و شهدای احد، مشخص شده است. (ص ۴۲-۴۴) نویسنده درباره قبور شهدای احد، به همان آگاهی‌های عمومی درباره صاحبان قبرها، بسنده کرده و بر این اساس، گفته است: در نزدیک‌ترین بخش از کوه احد، یک حصار (حظیر) سرپوشیده با

اسکندریه نیز آگاهی‌های نظامی مهمی به دست می‌دهد. (ص ۹۹-۱۰۳) این شهر در معرض تهاجم صلیبی‌ها بود. گزارش‌هایی نیز از صلاح‌الدین ایوبی و چیره شدنش بر مسیحیان و رفتن این منقذ نزد منصور موحدی داده است. (ص ۱۰۴-۱۰۷) بخش مغرب و گزارش‌ها و سیاست‌های موحدین نیز از نکات مهم کتاب است. (ص ۱۸۰-۱۹۰)

نویسنده گویا اهل مغرب و آشنا به اوضاع و احوال شهرهای مراکش بوده است؛ زیرا وصف‌هایش از اوضاع اقتصادی، کشاورزی، حمل و نقل، معدن و صنایع دستی شهرهای مغرب، همچون دیده‌ها و گزارش‌های فردی بومی و آشنا به این محیط است. در مجموع، این بخش در شناخت مغرب، میراث علمی مهمی به شمار می‌رود.

به سال ۱۸۵۲-۱۸۵۳ م. فون کریمر بخش مغرب کتاب *الاستبصار* را در ویانا با توضیحاتی مفصل به زبان آلمانی منتشر کرد.^۱ نیم سده بعد، ترجمه‌ای به زبان فرانسوی از همین بخش، تهیه و بر مبنای تصحیح کریمر منتشر شد. (مقدمه محقق، ص الف) در تصحیح کتاب، به سه نسخه خطی مراجعه شده است. البته همه این نسخه‌ها از آن دوره‌های متأخر هستند و از نسخه اصلی فاصله بسیار دارند. (مقدمه محقق، ص و

۱. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۲۴۴؛ معجم المطبوعات، ج ۲، ص ۱۵۵۸؛ الاعلام، ج ۲، ص ۷.

سنگ کشیده شده که در آن ۳۷ قبر موجود است؛ از جمله قبر معاذ بن عمرو و معاذ بن عمر که به دستور پیامبر در یک قبر دفن شدند. پایین‌تر از این حصار، قبر حمزه جای دارد. وی سپس نوشته سنگ قبر حمزه را آورده و بدین سان، بخش مکه و مدینه را پایان داده است. آن‌گاه ویژگی‌ها و شگفتی‌ها و جغرافیای مصر و برخی کشورهای آفریقایی مانند سودان و مراکش و نیز وضع شهرها و مکان‌های نام‌آور و تمدن و فرهنگ و حکومت‌های آن‌ها را گزارش کرده است. گزارش‌های کتاب، کوتاه و منسجم و وصف‌هایش محققانه و عبرت‌آموز هستند.

یکی از ویژگی‌های کتاب، ارائه آگاهی‌های مفید و دست اول از وضع کشاورزی زمین‌های ساحل نیل در مصر، به ویژه منطقه فیوم، است. نویسنده درباره محصولات طبیعی و کشاورزی و عمران و آبادانی بسیاری از مناطق مصر و مغرب سخن گفته و تصویری روشن از عمران و آبادانی و معادن و سنگ‌ها و شگفتی‌های طبیعی آن‌ها ارائه کرده است. بر پایه این تصویر، می‌توان تاریخ طبیعی و کشاورزی و صنعت و معدن این مناطق در سده پنجم و ششم ق. را روشن ساخت. نویسنده نگاهی ویژه به شگفتی‌ها و اهرام و آثار باستانی مصر دارد و اسطوره و هنر و تاریخ را در هم می‌آمیزد. درباره شهر

- ز) بخش نخست شامل متن عربی و تصحیح شده کتاب و بخش دوم ترجمه متن به زبان فرانسوی است.

◀ منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی: ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، ترجمه: پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش؛ الروض المعطار: محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۴م؛ معجم المطبوعات العربیه: یوسف الیان سرکیس (م. ۱۳۵۱ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۱۰ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.

علی احمدی میرآقا



استار ← استتلال

استخاره: روشی ویژه برای درخواست

خیر از خداوند؛ از آداب سفر حج

استخاره مصدر باب استفعال از ریشه

«خ - ی - ر» به معنای درخواست خیر است.^۱

این واژه در اصطلاح متون دینی و فقه

۱. مفردات، ص ۳۰۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۶، «خیر».

اسلامی، به معنای درخواست فراهم آمدن خیر از خداوند است.^۲ بر پایه روایات^۳، خیرخواهی از خداوند در همه کارها نیکو و پسندیده^۴ و انجام دادن کار بدون خیرجویی از پروردگار، ناپسند و نکوهیده است.^۵ بر پایه روایت‌ها، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام دیگران را به استخاره دعوت کرده^۶، آن را گونه‌ای مشورت با خدا قلمداد می‌کردند.^۷ سیره معصومان علیهم‌السلام نیز از استخاره آنان حکایت دارد. بر پایه روایتی، امام سجاد علیه‌السلام هنگام اهتمام به اموری چون حج و عمره و خرید و فروش، دو رکعت نماز می‌گزارد. سپس با خواندن دعا، از خدا طلب خیر می‌کرد.^۸ بر پایه روایتی دیگر، امام صادق علیه‌السلام در امور عادی هفت بار و در کارهای مهم ۱۰۰ بار از خدا خیر می‌خواست.^۹ بر پایه فقه امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، استخاره از آداب سفر به شمار می‌رود و دو روش دارد:

۲. عون المعبود، ج ۴، ص ۲۷۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۳.

۳. فتح الابواب، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۳.

۴. الاذکار، ج ۱، ص ۲۳۰؛ الحدائق، ج ۱۰، ص ۵۳۱.

۵. المهذب، ج ۹، ص ۱۰۵؛ هداية الامه، ج ۳، ص ۳۰۷.

۶. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۰.

۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۲؛ الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۳؛ المحاسن، ص ۵۹۸.

۸. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۰.

۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳.

۱۰. جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۵۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۳.

۱۱. احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۵۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۴۸۵؛ فقه

السنة، ج ۱، ص ۶۱۶.